

ساخت‌های دانشی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانشناختی و سیاسی متأثر از این شرایط اقلیمی پرداخته و تلاش کرده نشان دهد که این شرایط اقلیمی خشک و کم آب اتفاقاً نوعی همسازی و داد ستد فعالانه میان انسان سنتی ایرانی و اقلیم و طبیعت اطرافش ایجاد کرده است. خرد سنتی ایرانی در تعامل با بومش دانش‌ها و فناوری‌ها و ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی متنوعی ایجاد کرده که همساز با اقلیم و طبیعتش بوده است و از همین جهت توانسته تمدن ایرانی را برای هزاران سال در فلات مرکزی ایران ممکن و متداوم کند. او با بررسی نظریات توسعه و نیز تجربیات توسعه در کشورهایی چون ژاپن و هند و چین و همچنین ابتدا بر داده‌های مردم شناختی گردآوری شده توسط خودش و دیگر همکاران زیست بوم‌گرایش همچون جواد صفی نژاد و نادر افشار نادری و ... در نهایت نظریه توسعه‌ای مختارش را معرفی می‌کند: «صنعت بر فراز سنت نه در برابر آن». او معتقد است که باید از سنت، فرهنگ و تمدن ایرانی نه صرفاً مسئله‌ای زینتی که

به‌عنوان پلی برای آینده (توسعه) بهره‌گرفت و از این جهت «مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی ایران، نان شب» مردم‌نگاران ایرانی» است. وی از اولین کسانی است که در ایران از لزوم «گردآوری دانش‌ها و فن‌آوری‌های عامیانه و کار ابزارهای سنتی در ایران» به‌عنوان رویکردی برای توسعه بومی و گسترش تکنولوژی ایرانی داد سخن داده و از همین زاویه به «آسیب‌شناسی پژوهش‌های فرهنگ عامیانه» نیز پرداخته است. فرهادی از ایده صنعتی شدن به شیوه بومی و با حفظ محیط‌زیست و بر پایه دانش‌های سنتی دفاع می‌کند. وی «انهدام منابع سنتی آب و پیامدهای اجتماعی. اقتصادی ناشی از آن» را نه به خاطر افزایش جمعیت که محصول طبیعی کشاورزی مدرن و صنعتی شدن بی‌رویه و بی‌توجه به خصوصیات بومی و منطقه‌ای می‌داند؛ و از همین زاویه است که بیان می‌کند «پیشرفت امری پیوسته است نه گسسته! مضاف بر اینکه می‌بایست درون‌زانی نیز باشد.»

فرهادی در نقد خود نسبت به دوگانه‌های به‌زعم او جعلی «سنت-تجدد» یا «صنعتی-سنتی» در کتاب گران سنگ «صنعت بر فراز سنت» می‌گوید: «روشنفکران ما از آنجا که در ایران با انقطاع و گسل فرهنگی، به‌طور عینی یا ذهنی روبرو بوده‌اند، این دو را ماهیتاً دو نوع مختلف می‌پندارند و ارتباط و پیوستگی آن‌ها را نفی می‌کنند، اما نگاهی به تاریخ اروپا نشان می‌دهد که چگونه انواع همکاری‌های سنتی، با تغییرات آهسته و پیوسته و یا جهشی در صفات ثانویه، به همکاری‌های صنعتی مبدل شده‌اند.» فرهادی نگاه گسسته‌گرا به توسعه را باعث جهل و بی‌توجهی درباره شرایط اقلیمی و اجتماعی خودی و شناخت ناقص درباره شرایط و امکانات بیگانه در چند دهه گذشته را سبب نابودی بسیاری از تأسیسات کشاورزی سنتی همچون قنات‌ها، کبوتر خانه‌ها، فراموشی روش‌های آبیاری، کشتکاری، کودورزی، دیم‌کاری و آیش‌بندی و فراموشی دانش‌های عامیانه که حاصل تجربه‌های چندین هزارساله بی‌آنکه تأسیسات و سازمان‌های کارآمدتر و شیوه‌های مؤثر و مطمئن‌تری



فرهادی از محدود مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان تاریخی ایرانی است که عمده آثارش درباره نسبت و پیوند فرهنگ سنتی و جامعه ایرانی با اقلیم و طبیعت ایران تقریر یافته است

